

شیرینی خورون فرخنده

نویسنده: مهیر باقریان دهکردی

طراح جلد: مرضیه باقریان دهکردی

سرشناسه: باقریان دهکردی، مهریه، ۱۳۳۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: شیرینی خورون / مهریه باقریان دهکردی.
 مشخصات نشر: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۲۱ ص.
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان دیگر شیرینی خورون دهکردی.
 عنوان دیگر: مجموعه اشعار دهکردی.
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
 رده بندی کنگره: PIR ۸۳۳۵ ۱۳۹۲ ۱۷۳۲ الف /
 رده بنای سی: ۶۲/۱۱۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۱۲۵۵۸



گفتمان اندیشه معاصر

۰۹۱۳۳۰۴۰۹۳۹ - ۰۹۱۲۵۱۱۰۲۸

gofteman@yahoo.com gofتمان@yahoo.com

شیرینی خورون فرخنده

مهریه باقریان دهکردی / طرح جلد: مرضی باقریان دهکردی

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر شمارهگان: ۱۰۰ چاپ اول ۱۳۹۶

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مقدمه

داستان های بومی زاد، شاکله ای دو گانه دارند یکی، سویه ی ادبیات شفاهی و فولک لوریک دارد و دیگری به ادبیات داستانی ی معیار مند، مکتوب می شود. بدیهی ست جان مایه ی ادبیات عامه، ریشه در فرهنگی در سال ها و بر قرن دارد که از ژرفای تاریخی دور و دراز به سمت ادبیات به مفهوم بام آ، در جریان است..

داستان بلند " شیرینی خوران فرخنده "خانم مهریه ی باقریان دهکردی، نیز که از کلک روان و گریز ناپذیرنده ی دیر آشنای آن، برخاسته است به بخشی از آداب و رسوم و رکن فرهنگ مردم بام ایران "شهرکرد" همراه با شگرد های قصه پردازی، به پردازد و این داستان علاوه بر تاثیر شیرینی ی کلمات عامیانه در کنار کلمات معیار، برای زبان شناسان و محققان ادبیات بومی و ادبیات شفاهی هم، حایز توجه است..

شیوه ی نگارش این داستان بلند اگرچه با معیار های نویسنشی ادبیات داستانی ، متفاوت می نماید اما به نظر من حسن آن است که به دور از آداب مربوطه، روانی و گردش کلمه و حس و صدا، ما را به کمی دور تر از این زمان و حدود سال های سی و چهل و روزگار سادگی ی رفتار جمعی و انبساط خاطر جوامع بسته، پرتاب می کند و این رناب ، آن قدر شیرین است که دوست داری در محوطه ی حس و صدا و انایشه ی شخصیت های داستان، قرار داشته باشی و از آن جا به آنجا پا به بیرون نگذاری!

شیوه ی رفتار داستان نرم و ملایم و شیرین است. داستان با زندگی ی "مشهدی محترم"؛ "رجبعلی" مادر و پدر "فرخنده"، شروع می شود آن گونه که نه سنده به خوبی ما را با شخصیت ها، جلو می برد ما آن هارا می بینیم، با آن ها و شیوه ی زندگی، معیشت، فرهنگ و اعتقادات آن ها، کنش های شومیم و به نوعی با یک به یک شخصیت ها، هم ذات پنداری هم می کنیم...

داستان با توصیف ظاهری ی "مشهدی محترم" ریاضت محله، آغاز می شود و تشبیه ای شاعرانه برای ابروهای ی بی پیرایش او می آورد "خوشه های گندم در آغوش نسیم..."!

در بستر داستان، دردها، نیز بروز می کند وقتی "مشهدی محترم" از ازدواج در چهارده سالگی می گوید که رسم آن زمان بوده و گاه

ندیدن حتا یک بار شوهر آینده را و بچه دار شدن در عین بچگی،
زخم های باز شده ی این انسان ها در روزگاری همین نزدیکی
هاست.!

مرارت معیشت، همیشه و بیشتر بر دوش زن و شوهر است زیرا در
آن زمان، اداره کردن یک زندگی با فرزندان گاه ناخواسته ی بسیار،
بی تلاش و زحمات، امکان نداشت. محترم، خیاطی می کند، قالی می
بافد، نان می ریزد و بر تربیت فرزندان هم باید نظارت داشته باشد. این
بخشی از داستان است که بر سایر شخصیت های اصلی و فرعی نیز،
جریانی محسوس دارد..

فرهنگ شدیدپسر دوستی، در این قوم و بی شک در تمام اقوام
ایرانی، بسیار بارز است و آن را باید در کمک اساسی به معیشت
خانواده توسط پسر، در مزرعه، دامداری و مکاری با پدر در دیگر
مشاغل متعارف محلی، قلم داد کنیم..

نویسنده به طرز ذوق آوری، ما را با واژگان محلی ای، فرهنگ
شفاهی و سبک زیستی ی مردم شهر کرد، آشنا می کند. در متع
بسامد واژگان محلی ی این مردم، خود نشان گر قدمت تاریخی ی
آن هاست و ما با کلماتی روبرو می شویم که در حال گذار زمانی
هستند. نگاه کنید.:

"کوبه ی زنانه ی در" (کوبه ی ظریف تری که زنان ، آن را می نواختند)، "ضف قلیون" (صبحانه، کلمات ، مرکب از ضعف) ناتوانی) و قلیان است زیرا پس از قلیان کشیدن که در آن زمان بین زنان ، رایج بود ضعف و ناتوانی ، روی می داد که می بایستی غذایی می خوردند تا رفع ضعف قوای بدنی بشود. "سه دری" پنج دری" و "ناق بزرگ به نسبت درها بود که معمولن ، مهمان خانه بودند. "رره" تارل کوچک روی بدن، "دم پخت" برنج پخته ی معمولی. "بوده را" یک نوع داروی گیاهی ی بسیار تلخ و "خل وضع" آدم نقرن دیرانه (کنایه ای) "بچه نخری" فرزند آخر خانواده، "تپ" بافند یک رج از قالی را گویند و یاد آوری نام های نسبی ی خانوادگی که امروز به سمت فراموشی رفته مثل "دادا" (برادر) "دده" (خواهر) "دایی" "دایزه" (خاله) و از منظر دیگر "دا" مادر در گویش بختیاری ریش. در "دهش" و دادنده یعنی خدا دارد و واژگانی فارسی هستند و بشمار واژگان مورد استفاده ی این مردم در فرهنگ شفاهی، فارسی است و از اختلاط با واژگان تازی، دور مانده اند که جا دارد محققان ارجمند ، نسبت به جمع آوری و کنکاش در ماهیت آن ها، کوشش نمایند .

علاوه بر این ها، از آن جایی که نویسنده ی ارجمند داستان، خود شاعر نیز هست توصیف های شاعرانه ی ایشان، به زیبایی ی اثر

افزوده است . مثلن در توصیف رجبعلی می گوید: "...او مرد تلخ کوهستان بود."

در این داستان بلند، بسامد واژگان گویشی ی مردم شهر کرد که در کنار زندگی روزمره ، شنیده می شود بار غنی ی داستان "فرخنده" است به اضافه فرهنگ عامه، آداب و رسوم، ضرب المثل ها، که همه در هم نوازی یکدیگر، داستان را با نگارش صمیمی و ساده و بی پیرایه، به پیش می رود و ربط خانوادگی و ارتباطات ، چگونگی ی برخورد با عشق و ازدوج، المان های دیگر این داستان است.

وسعت آینه کاظمیان دهکردی

اردیبهشت ۹۶